

نقد فرمایشات اعلیحضرت در

برنامه افق ایران

(قسمت سوم)

امیرفیض- حقوقدان

در قسمت دوم عرض شد در برنامه های «افق ایران» که متولی نظرات اعلیحضرت معرفی شده کوچکترین اشاره ای به براندازی جمهوری اسلامی ندارد، چرایش را به اتفاق درمیآوریم.^۱

موضع فکری و اعتقادی کثیری از ایرانیان خارج از کشور از همان نخستین سالهای مبارزه برهدف براندازی جمهوری اسلامی مستقر بود و در صدر همه این مشتاقان براندازی جمهوری، اعلیحضرت قرار داشتند که به کمتر از براندازی جمهوری اسلامی به چیز دیگری قانع نبودند آنهم براندازی زود و سریع چنانکه در مصاحبه پاریس در سال ۶۰ (با احتیاط) فرمودند: «امیدوارم که عملیات براندازی جمهوری اسلامی بیش از ۷۲ ساعت طول نکشد».

در سالهای بعد شیوه مبارزه ایرانیان بویژه اعلیحضرت از هدف گیری براندازی تغییر کرد، و خط و مسیر براندازی، به صبر و ماماشات تبدیل شد، «رفسنجانی و یا کس دیگری یک آزادی هائی بدهند که منم بتوانم مانند یک شهروند در ایران زندگی کنم و تعهد هم میکنم که فعالیت سیاسی ننمایم» (اعلیحضرت)

اما این عقب نشینی ها به همین جا ختم نشد، و رسید به آنجا که؛ «تنهاتر نجات کشور شرکت در انتخابات رژیم دانسته شد» و داریوش همایون به سختی از آن حدیث فکاهی دفاع میکرد- و اعلیحضرت هم در مسירתانید و حمایت آن قرار گرفتند.

این تحریر به مستندات دهه های اول و دوم مبارزه نگاه نمیکند که فصل را مفصل میسازد به همین دهه اخیر یعنی ۷ سال قبل رجوع میکند.

در اوایل سال ۱۳۸۶ اعلیحضرت در موسسه تحقیقاتی هادسن آمریکا سخنرانی مهمی داشتند که متن آن از دبیرخانه اعلیحضرت دریافت و در کیهان لندن هم به چاپ رسید و عینا در سنگر ۱۵ اردیبهشت ۸۶ درج است.

در آن سخنرانی برای اولین بار به مطلبی اشاره فرمودند که نگرش سیاسی اعلیحضرت را به موجودیت سیاسی و حقوقی جمهوری اسلامی روشن میکرد و آن ابراز این عقیده است که:

تغییر رژیم یا تغییر رفتار رژیم گزینشی بی تفاوت است.

^۱ - قسمت دوم را در این آدرس بخوانید:

البته تر بیتفاوتی بین تغییر رژیم جمهوری اسلامی ویا تغییر رفتار آن عملا درمبارزه سیاسی اعلیحضرت وجود داشت ولی بصورت یک تر سیاسی دریک سخنرانی نیمه رسمی که باحضورشخصیت های سیاسی آمریکا بیان شود نبود، بلکه درمیدان گفتارهای متناقض ایشان چندان چشم گیر نمیشد.

بعد ازسخنرانی اعلیحضرت دراجتماع مزبور که مفصل وموارد عدیده ومهمی را دربردارد یکی دوهفته بعد درسخنرانی آقای بوش و وزیرخارجه آمریکا هم، همان مطلب مطرح شد بااین عبارت که <آمریکا قصد براندازی جمهوری اسلامی را ندارند وفقط خواهان تغییر رفتاررژیم میباشد>.

همانطور که عرض شد تر بی تفاوتی براندازی با تغییررژیم، متحول ازباورهای سیاسی اعلیحضرت نسبت به شورش ۵۷ است بدین معنا؛ کسی که به حقانیت ومشروعیت انقلاب ۵۷ معتقد است نمیتواند خواهان براندازی جمهوری اسلامی باشد بلکه فقط میتواند خواهان تغییر رفتاررژیم وتطبیق ان با قانون اساسی باشد یعنی دقیقا مطلبی که اعلیحضرت آنرا بصورت یک ترسیاسی خودشان درسخنرانی مزبور بیان کردند، وهمان که درقطعنامه شورای تجزیه طلبان رعایت کرده اند، وهمانی که درجنبش سبز جریان دارد واعلیحضرت از مدافعان سرسخت آن بوده ومیباشند وبالاخره همین که دربیانات اخیرشان ملاحظه میشود.

فکرمبارزه برای تغییر رفتار رژیم همانطور که عرض شد بی سابقه نیست؛ درسال ۱۳۷۸ درمصاحبه با برنامه سازان رادیوی صدای ایران^۲ سناریوی مبارزه را چنین ترسیم فرمودند.

<کاری کنیم که رژیم به مردم کم کم آزادی بدهد بالطبع درکنار آزادی، سازندگی کشور ودیگرمسائل وابسته از جمله مسائل وروابط بین المللی هم تامین خواهد شد> (مشروح درسنگر ۱۵ تیر ۷۸)

ادای حق مطلب

حفظ امانت مطلب دیگران لازم میسازد که این توضیح داده شود که:

حدود دوهفته قبل ازسخنرانی درموسسه تحقیقی هادسن، اعلیحضرت درمصاحبه با تلویزیون پارس ورادیو صدای ایران به کارگردانی آقای علیرضا میبیدی فرمودند: <ازهمین حالا بشما بگویم من با کسانی که همچنان بدنبال بزک کردن این نظام هستند ویایک نوع تغییراتی رابخوانند درقالب همین سیستم بیاورند حرفی ندارم> (مشروح مصاحبه مزبور درسنگراول اردیبهشت سال ۸۶)

اقدام سنگر در مقام تعارض

سخنرانی اعلیحضرت درموسسه هادسن ازجمله <ماموریت من یشتبانی ونیرومند کردن مردم برای تغییر رژیم ویا تغییر رفتار رژیم است> درپایان سخنرانی ویا آنجا که فرموده اند:

<من ازهر فرصتی استفاده میکنم تااقدام نظامی بر علیه کشورم رارد کنم. من علیه جنگ وخونریزی هستم امید وارم که شماهم مانند من فکرکنید، همچنین نمیتوانم تصورکنم که شما باتسلیم هم موافق باشید پس گزینه هائی بجزتغییر رژیم یا تغییررفتارباقی نمیماند>.

^۲ - رادیو صدای ایران توسط آقای مروتی اداره می شد که پس از مرگ ایشان مدتی فرزندشان مسنول اداره شدند و پس از به تعطیلی کشیدن بصورت رادیو های کوچکتر تقسیم شد. رادیو همراه، پرشین رادیو و یک رادیو اینترنتی دیگر که توسط قائم مقامی اداره می شود. ح-ک

تضاد دربیانات اعلیحضرت ومفسده های پیوست آن بشدت ایجاد نگرانی ووسواس درقبول یکی ورد دیگری کرد ناچارنامه ای بتاریخ ۱۶ فروردین به دبیرخانه اعلیحضرت فکس شد که رسید آنهم موجود است و خواهان ارشاد وهدایت شدم واین تصدیع هم به اعتبارآن بود که اعلیحضرت دریکی ازفرمایشاتشان فرموده بودند: حمن که یشت کوه قاف نیستم میتوانید ابهامات راازمن بیرسیدک ولی متاسفانه مفتخر به دریافت پاسخ نشدم متن نامه مزبور ازسنگر ۱۵ اردیبهشت به اینجا آورده شده است.

سنگر

دبیرخانه محترم رضاشاه دوم،

موضوع سخنرانی اعلیحضرت «موسسه تحقیقی هادسن سوم آوریل ۲۰۰۷»

با تشکر از دریافت متن سخنرانی اعلیحضرت در موسسه تحقیقاتی هادسن مراتب زیر را به استحضار میرساند:

۱- اعلیحضرت در بیاناتشان به تئوری «انهدام قطعی و متقابل» اشاره فرموده اند استدعا دارد هدایت فرمایید که از طریق اینترنت چگونه می توان از تئوری مزبور آگاه شد.

۲- اعلیحضرت در مصاحبه با علیرضا میبیدی برای تلویزیون پارس و رادیو صدای ایران برای نکته تاکید گذاشتند که:

❖ از همین حالا به شما بگویم که من با کسانی که همچنان به دنبال بزک کردن این نظام هستند ویا یک نوع تغییراتی را بخواهند در قالب همین سیستم بیاورند اصلا حرفی ندارم بزنم برای اینکه اعتقاد من این است که تا اساس این نظام از بین نرود تا این نظام بکلی برکنار نشود الخ..

در حالیکه در سخنرانی در موسسه تحقیقاتی هادسن تغییر رژیم با تغییر رفتار رژیم را گزینشی بی تفاوت اعلام فرموده اند و در توضیح بیشتر اضافه فرموده اند:

«من از هر فرصتی استفاده میکنم تا اقدام نظامی بر علیه کشورم را رد کنم من علیه جنگ و خونریزی هستم امیدوارم که شما هم مانند من فکر کنید- همچنین نمیتوانم تصور کنم که شما با تسلیم هم موافق باشید پس گزینه هایی بجز تغییر رژیم یا تغییر رفتار باقی نمیماند ولی»

و در قسمت آخر سخنرانی مامورت اعلیحضرت چنین توجیه شده است:

«ماموریت من پشتیبانی و نیرومند کردن مردم ایران برای تغییر رژیم یا تغییر رفتار رژیم است.

۳- در صفحه هفتم سخنرانی آمده است؛ مردم ایران بارها رژیم حکومتی خود را تغییر داده اند» مقصود کدام نمونه های تاریخی است؟

بنظرم موارد مبهمی در مسیر تعارض بین سخنرانی و مصاحبه وجود دارد که ممکن است ناشی از ترجمه یا کسر بضاعت علمی اینجانب در برداشت از موضوع باشد.

مزید تشکر است که از راهنمایی و توضیح لازم دریغ نشود.

با احترام و آرزوی پیروزی - سنگر

برداشت سنگر از سکوت دبیر خانه

از آنجا که بیانات اعلیحضرت در موسسه هادسن بعد از مصاحبه با تلویزیون پارس و صدای ایران آنهم در فاصله کوتاهی بوده، لذا باب تعارض در حکم را براحتی نمیتوان مفتوح یافت و فصل ناسخ و منسوخ را به آسانی میتوان جاری دانست یعنی آنچه در سخنرانی هادسون فرمودند ناسخ اظهارات قبلی است.

مراتب در تأیید حکم ناسخ و منسوخ

★ نگاهی به رویدادهای جهانی و اظهارات شخصیت های سیاسی اروپایی خاصه آمریکا نشان میدهد که سیاست آن کشورها تغییرات در جهت رعایت حقوق بشرودمکراسی در ایران است نه براندازی جمهوری اسلامی. در این مورد فایننشیل تایمز نوشت: <تغییرات دموکراتیک عنوانی است برای جلب حمایت اروپا، بی آنکه نامی از تغییر رژیم بمیان آید> روزنامه مزبور اضافه کرده: <لندن و واشنگتن بر روی یک استراتژی با هدف ارتقای تغییرات دموکراتیک در ایران کار میکنند> (کیهان لندن ۱۱۰۳)

★ در سخنان شخصیت های آمریکایی با آنکه دشمنی با جمهوری اسلامی براق است ولی حتی یکبار مسئله براندازی جمهوری اسلامی صراحتاً مطرح نشده و حتی همانطور که قبلاً به اشاره رفت آقای بوش و وزیر خارجه آمریکا صریحاً اعلام کردند که قصد براندازی جمهوری اسلامی را ندارند و این بدان معناست که خواهان تغییرات هستند.

★ تحقیق و بررسی ها که بخشی از آنها در تحریرات (مهار استراتژی و هدف مبارزه) ^۳ پیاده شده نشان میدهد که مبارزه ایرانیان خارج از کشور زیر کنترل و خواست آمریکا در جریان است و این مشخصه در بیانات اعلیحضرت که به کرات شرط موفقیت مبارزه را حمایت و تائید کشورهای آزاد جهان میدانند بیشتر از همه نمایان است، و در کمال تاسف میتوان گفت از میان ایرانیان خارج از کشور که متوسل به بیگانگان برای رهائی کشور (بهانه) هستند رتبه اول سهم نام ایشان گردیده است.

واضح مزبور متضمن یکسو بودن هدف و مبارزه اعلیحضرت با کشورهای خارجی خاصه آمریکا نیز میباشد یعنی نمیتوان از آمریکا و اسرائیل کمک های مادی و معنوی خواست آنهم در حدی که گفت: «بدون حمایت آنها مبارزه بی نتیجه است» ولی با هدف آن کشورها که تغییرات در جمهوری اسلامی است همسو نبود.

کمک ایرانیان از بیگانه بمنظور تسهیل سیاست کشور بیگانه در راستای منافع و تسلط بر کشور دیگر است معقول نیست که بیگانه کمک بکند ولی کمک گیرنده برای کمک دهنده عملی نکند و برای خودش بکند.

کنگره آمریکا ۷۲ میلیون دلار برای کمک به مخالفین جمهوری اسلامی تصویب میکند و شرط هم مینماید که کمک باید به کسانی داده شود که برای حفظ منافع و مصالح آمریکا فعالیت میکنند (قانون آزادی ایران)

یعنی نمیتوان انتظار داشت که آمریکا هزینه «افق ایران» را من غیر مستقیم تامین کند و بعد «افق ایران» سیاستی غیر از سیاست آمریکا را دنبال نماید، و برخلاف سیاست آمریکا براندازی جمهوری اسلامی را هدف مبارزه قرار دهد؛ همانطور که به غلطک انرژی میدهند که جاده صاف کن باشد، عملیات آمریکا از جمله همین دکان اخیر «افق ایران» وظیفه اش جاده صاف کن سیاست آمریکا در ایران است. برخی از عملیات آمریکا مدعی اند که کمک میگیرند ولی مستقل عمل میکند پرسش زیر از آنهاست.

یک حیوان باربر که حمایت میشود که گرگ پاره اش نکند، در طویله نگهداری و علوفه میگیرد و تیمار هم میشود، آیا میتواند به میل خودش هرباری که دلش خواست بارش کنند و هر جا که خواست برود؟

تغییر سیاست تسلط

سیاست اجرایی کشورهای سلطه گر که در سابق از طریق جنگ و یا کودتای نظامی بود امروزه بکل تغییر یافته است و جای آنرا سیاست تغییر در رفتار کشورها گرفته است و چون رفتار کشورها بدون تغییر رهبران و مسئولین کشورها ممکن نیست و امری غیر معمول و غیر قابل قبول همان مسئولین است راه مرجع و مرسوم جایگزینی افراد موافق با تغییر رفتار رژیم، بجای افراد سابق است و این درست نسخه ای است که شیخ حسن روحانی مامور پیچیدن آن است.^۴

کشورهای سلطه گر بدین جهت جنگ و یا کودتا را مقرون به صرفه نمیدانند که علاوه بر هزینه سنگین آن دستاوردهای آن از کنترل کشور سلطه گر خارج خواهد شد و وضعی پیش خواهد آمد که قابل پیش بینی نخواهد بود چنانکه در لیبی و یا عراق روی داد.

آقای احمد شهید هم در کنفرانس حقوق بشر پاریس گفت: «براندازی جمهوری اسلامی به حقوق بشر کمکی نمیکند و حقوق بشر در انتظار تغییراتی در ایران است».

^۴ - پشتیبانی ماموریتی صدای آمریکا و برنامه آقای دهقانپور «افق آمریکا» و حتا گفتار هایی که در برنامه سی ان ان، فرید زکریا ارائه می شود، حتا در به اصطلاح سرپوش سفری که آنتونی بوردن در قالب سفر پژوهشی در باره خوراک های سنتی کشور ها به ایران سفر کرد در همین راستا خودنمایی میکنند. ح-ک

اثر تغییرات در ایران چیست

ابزار مشخص و شناخته و آزمایش شده ای در اختیار آمریکا برای تغییر رفتار کشورها از جمله جمهوری اسلامی است که برخی از آنها که از آزمایش سربلند بیرون آمده اینهاست:

تأثیر تهدید آمریکا

۱- در سال ۲۰۱۱ جمهوری اسلامی به آمریکا هشدار داد که در مقابل تحریمهای جدید تنگه هرمز را خواهد بست اما پس از آنکه آمریکا اعلام کرد که اقدام ایران سبب واکنش نظامی آمریکا خواهد شد ایران عقب کشید. یعنی تهدید آمریکا سبب تغییر رفتار جمهوری اسلامی شد.

۲- در ژانویه سال ۲۰۱۲ جمهوری اسلامی به آمریکا هشدار داد که نباید ناو هواپیمابر خود را به خلیج فارس بازگرداند. آمریکا به هشدار ایران اعتنایی نکرد، رژیم اسلامی عقب گرد کرد و دست از هشدار دادن ویا واکنش برداشت.

۳- گروههای شیعه عراقی تحت حمایت جمهوری اسلامی در سال ۲۰۰۸ حملات موشکی خود را به سفارت آمریکا متوقف کردند. این توقف ناشی از اخطار شدید آمریکا به ایران بود؛ که تهدید آمریکا سبب تغییر روش جمهوری اسلامی ملاحظا شد.

۴- در سال ۲۰۱۱ حملات موشکی شیعیان عراقی به حمایت جمهوری اسلامی سبب کشته شدن ۱۵ سرباز آمریکایی گردید که با اخطار شدید آمریکا حملات موشکی متوقف شد.

۵- حمله آمریکا به عراق سبب تغییر در رفتار جمهوری اسلامی شد و جمهوری اسلامی کتبا آمادگی خود را برای توقف کامل فعالیت های هسته ای و کمک به حزب الله و حماس اعلام کرد؛ ولی آمریکا اعتنایی ننمود.

۶- پس از ترور شرافکندی در آلمان عکس العمل کشورهای اروپایی تهدیدی بود برای جمهوری اسلامی که از ادامه ترور مخالفان در خارج از کشور دست کشید.

۷- تحریم های علیه ایران مانند یک شلاق تنبیهی است که جمهوری اسلامی را ناچار به تمکین از آمریکا در جهت تغییر رویه خواهد داد چنانکه نشانه هایی از آنرا از شیخ حسن و سید علی می بینیم.

۸- کمکهای مادی به مخالفان جمهوری اسلامی و ایجاد رسانه های گروهی که بتصویب کنگره آمریکا رسیده از جمله صدای آمریکا و تولیدات آن مانند «افق ایران»، امید ایران و افق آمریکا و تلویزیون اندیشه و غیره و سائلی هستند که زمینه های تاثیر تهدید آمریکا را فراهم میسازند که ساخته اند.

۹- انتخابات و سرمایه گذاری مادی و نفوذی آمریکا در ایجاد زمینه های تغییر در سیاست و حکومت کشورها آنقدر قوی و با سابقه است که هزینه یک هواپیمای جنگی کافی برای برنده شدن سیاست آمریکا در انتخابات کشورها میباشد؛ (مصر) و این کار سهولت تمام در جریان انتخابات ریاست جمهوری شیخ حسن اجرا گردید. ناظر بودید که امضای موافقتنامه امنیتی افغان و آمریکا با چه مخالفت هایی روبرو شد ولی بعد از انتخاب رئیس جمهور جدید و ریخت و پاشهای آمریکا با چه سهولتی قرارداد مزبور آنهم با سربلندی از سوی دولت جدید افغانستان امضا شد.

نتیجه اینکه انتخابات کشورها کلید اصلی استراتژی آمریکا در تسلط بر کشورهاست.

شعار انتخابات آزاد که تنها هدف مبارزه اعلیحضرت معرفی شده بخشی از همان سیاست آمریکا در انتخابات کشورها از جمله جمهوری اسلامی است.

ابزار قاطع و حقیقی

آنچه درباره ابزارهای آمریکا عرض شد ابزارهای غیررسمی است بزرگترین و برنده ترین ابزارهای آمریکا برای تغییر روش جمهوری اسلامی همان موافقت نامه ژنو است که تاحدودی جنبه رسمی یافته و در آن جمهوری اسلامی به تحریم های نامحدود آمریکا تسلیم گردیده و تعهداتی بسیار وسیع و نامحدود و یکطرفه عهده دار شده است که حاصل آن تعهدات، حفظ تحریم ها و ادامه و تشدید آنها میباشد.

آمریکا به استناد همان موافقت نامه ژنو، جمهوری اسلامی را در مسیر تغییر رفتار قرار داده و خواهد داد و رفتار هم در موافقت نامه ژنو آن چیزهایی است که آمریکا تغییر رفتار میداند؛ و تسلطی که آمریکا خواهان آن است بدون نیاز به جنگ تنها با تغییر افراد در حاکمیت جمهوری اسلامی به حصول نزدیک میشود.

البته این تحریم ها به حال وزندگی شخصیت های جمهوری اسلامی تاثیری ندارد کما اینکه بهنگام تحریم عراق فرزندان صدام ران های گوشت رابه ببرهای در قفس خود در ملاحظه مردم میدادند و این در زمانی بود که مصرف گوشت برای مردم عراق یک امر اتفاقی بشمار میرفت.

درست است که اتفاق نظر بر آن است که تحریم ها سبب فشار به مردم میشود. ولی در نهایت فشار مزبور دامان دولت را هم خواهد گرفت و همین انتقال فشار تحریم ها به دولت است که تحریم در رابطه با تغییر رفتار جمهوری اسلامی به معنا خواهد رسید.

★ در حالیکه وزیر بهداشت جمهوری اسلامی اعلام میکند <دولت از درمان مردم ناتوان است> (۱۸ آذرماه ۹۳)

★ بیمه سلامت ایران اعلام میکند که نمیتواند ۵۴۳ میلیارد تومان طلب خود را از دولت بگیرد (۷ آذرماه ۹۳)

★ بیمه های اجتماعی کارگران اعلام داشته که از ۵۳ هزار میلیارد بدهی دولت به بیمه اجتماعی فقط ۱۰ میلیارد آن وصول شده است.

★ شرکت های کارگزار برق جمهوری اسلامی ۲۵ هزار میلیارد تومان از دولت طلب کارند که دولت قادر به پرداخت نیست.

★ بنابراین اعلام سازمان های وابسته به جمهوری اسلامی (خورد و خوراک مردم نسبت به گذشته کم شده است).

★ بدهی دولت به بانک مرکزی ۱۶ برابر شده است (۳۱ فروردین ۹۲) و امروز رقم بدهی به ۶۵ هزار میلیارد تومان میرسد.

در حالیکه در آمد نفتی ایران از ۱۰۰ میلیارد به ۶۵ میلیارد تقلیل یافته و وجه فروش نفت هم بدست دولت نمیرسد.

اینها جزء ناچیزی از تحریم هائی است که جمهوری اسلامی پای آنها امضا کرده یعنی جریان آنرا قبول دارد

ادعای جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه تحریم ها تاثیری در وضع دولت و حکومت ندارد یاد آور کسانی است که در گذشته فلک میشدند؛ آنها برای اینکه کله شقی خودشان را نشان بدهند می خندیدند و یا ساکت میماندند ولی وقتی شلاقها ادامه میافت آنوقت فریاد غلط کردن شنیده میشد.

همین امروز سید علی نارضایتی خودش از انتقاد ویا اظهارنظرنسبت به مذاکرات هسته ای را بوسیله دکترولایتی اعلام نمود، ودیروز هم سید علی به ادامه مذاکرات تسلیم شد، اینها همه ناشی از فشار تحریم هاست

اجازه بدهید بایک مثال این نوبت تحریر پایان یابد:

یگ سگ هرقدربه صاحبش وفادارباشد (درتطبیق، مردم شیعه ایران به حکومت) اگرصاحب سگ خودش خوراک بخورد وبه سگش ندهد آن سگ تحملش طاق میشود وگلوی سید علی را خواهد گرفت ویا او را رها خواهد ساخت. سید علی این را میداند که راه تسلیم را برگزیده.

امید وارم اجازه ادامه آنرا داشته باشم